

نگاهی بر چهار چوب تحلیلی بازتاب جهان بینی در ترجمه

و مصداقهای آن در ترجمه های ادبی

دکتر محمد غضنفری *

چکیده

از دیدگاه نظریه پردازان مطالعات ترجمه و ترجمه شناسی، ترجمه فعالیتی است ذهنی، آگاهانه، پیچیده و جهت دار که، به طور کلی، در تمام مراحل آن، تصمیمهایی که مترجم می گیرد، گزینه هایی که انتخاب می کند، و راهکارهایی که در پیش می گیرد، چه بسا همه آنها به گونه ای متأثر از جهت گیریهای ایدئولوژیک او باشد. در این مقاله، مبحث ایدئولوژی در ترجمه و تأثیرات آن بر کار مترجم، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نخست، پدیده ایدئولوژی و مفاهیم گوناگون آن در زمینه های مختلف مورد بحث قرار گرفته و از دیدگاه زبانشناسی تعریف شده است. سپس، چهارچوبی که از سوی حتم و میسن (Hatim & Mason) (۱۳، ۱۲، ۱۱) برای ارزیابی و تجزیه و تحلیل ایدئولوژی در متون ترجمه شده پیشنهاد شده است، معرفی شده و مقوله هایی که در حیطه آن قرار می گیرند؛ یعنی گفتمان (discourse)، گفتمان گونه (genre) و متن (text) هر یک جداگانه مورد بحث قرار گرفته، نمونه ترجمه های مربوط به هر یک در جای خود ارائه شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

* - استادیار دانشگاه تربیت معلم سبزوار

واژه‌های کلیدی

ایدئولوژی، ترجمه و ایدئولوژی، گفتمان و ترجمه، دستور سامانه‌ای - کارکردی و ترجمه، ترجمه ادبی و ایدئولوژی.

۱. سرآغاز

در سراسر تاریخ تمدن، ترجمه همواره به مثابه ابزار تبادل اندیشه‌ها و نشر معارف بشری در زندگی جوامع انسانی تأثیرگذار بوده است و در حقیقت، به باور صاحب‌نظران ترجمه‌شناسی، قدمت ترجمه به قدمت بشر بر روی این کرهٔ خاکی است (نک. ۴). مترجم در بستر اجتماعی - فرهنگی خاصی به کار می‌پردازد و خود پاره‌ای از جامعهٔ زبانی محسوب می‌شود که از ترجمهٔ وی بهره‌مند می‌شوند. بنابراین، ترجمه فعالیتی است هدفمند و جهت‌دار که با عنایت به نیازها، ذوقیات، باورها و تصورات جامعه و فرهنگ مقصد انجام می‌گیرد. از سوی دیگر، در نقد و بررسی ترجمه‌ها غالباً به تقسیم‌بندی‌های دوگانه‌ای برمی‌خوریم که منتقدان ترجمه بر اساس آنها حاصل کار مترجم را در یکی از دو قطب یک پیوستار جای می‌دهند، از قبیل «ترجمهٔ آزاد» در مقابل «ترجمهٔ لفظ به لفظ»، «تعادل پویا» در مقابل «تعادل صوری»، «ترجمهٔ ارتباطی» در مقابل «ترجمهٔ معنایی» و مانند اینها. اما حتمی و میسن (۱۳) بر این باورند که اگر با نگرشی فراگیر به موضوع نگاه کنیم، گزینه‌های مترجم در فرآیند ترجمه را غالباً می‌توانیم در چهارچوب دیدگاه‌های ایدئولوژیک وی توجیه و تحلیل کنیم. از نظر ونوتی (Venuti) (۲۲)، راهبردهای مترجم در فرآیند انتقال متن مبدأ به مقصد، ناشی از دیدگاه‌های ایدئولوژیک وی است، تا آنجا که شاید بتوان گفت، در طی این طریق، مترجم را از کمند ایدئولوژی گزیری و گریزی نیست و محصول کار وی، پیامدهای ایدئولوژیک خود را برای فرهنگ مقصد به ارمغان خواهد آورد. از این دیدگاه، ترجمه - به خودی خود - فعالیتی ایدئولوژیک است. با وجود این، پرسشی که بلافاصله به ذهن می‌آید، این است که: آیا چهارچوبی برای بررسی عینی نقش ایدئولوژی در ترجمه وجود دارد، که از طریق آن بتوان جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک مترجم را در متن نشان داد؟

به عقیدهٔ شافنر (Schaffner) (۱۹/ pp. ۹۷-۱۱۱)، افزون بر این که هر ترجمه‌ای را می‌توان، - به خودی خود - محصول یک ایدئولوژی دانست، جنبه‌های ایدئولوژیک هر متن ترجمه شده را نیز می‌توان از دل آن بیرون کشید و در معرض تماشا گذاشت. او معتقد است که ابعاد ایدئولوژیک ترجمه را می‌توان در دو سطح واژگانی (مثلاً، در

گزینش واژه ای خاص و احتراز از واژه ای دیگر) و دستوری (برای نمونه، به کارگیری ساختار مجهول به منظور خودداری از ذکر انجام دهنده کار) تجزیه و تحلیل نمود. این مقاله به چهارچوب تحلیلی مقوله های ژانر (گفتمانگونه)، گفتمان و متن، که از سوی حتیم و میسن (۱۲،۱۱) برای ارزیابی ترجمه ها و، بویژه، تجزیه و تحلیل ابعاد عنصر ایدئولوژی در ترجمه پیشنهاد شده است، می پردازد. نمونه ترجمه های مربوط به هر مقوله نیز ارائه شده و از زاویه انعکاس ایدئولوژی در ترجمه مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

۲. تعریف ایدئولوژی

ایدئولوژی یکی از مفاهیمی است که از سوی صاحب نظران در حوزه های گوناگون معارف بشری، از قبیل علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ادبیات، زبانشناسی و ... به کار گرفته شده و در عین حال، تعریف واحد و متفق القولی از آن وجود ندارد و شاید بتوان گفت که یکی از مصداقهای «هرکسی از ظن خود شد یار من» باشد. هاوکینز (Hawkins) (۱۴) ایدئولوژی را سرچشمه اغلب تنشهای بشری معرفی می کند و آن را پدیده ای می داند که همچون خود زبان، انسانها در طول شبانه روز با آن سروکار دارند، اما تا هنگامی که تعارضهای ناشی از ایدئولوژیهای متفاوت بروز نکرده است، کمتر به تأمل درباره آن می پردازند. به نظر وی، ایدئولوژی به مجموعه ای از عقاید و باورهای اطلاق می گردد که تجربیات و انتظارات انسانها را شکل می دهند. لیکاف (Lakoff) در مصاحبه با پایرز (Pires) (۱۸، PP. ۲۳-۴۷) از منظری شناخت گرایانه به ایدئولوژی می نگرد و آن را گونه ای نظام ذهنی و انتزاعی می داند که در عین حال در برگیرنده نظامی اخلاقی نیز هست و راه صواب را از راه خطا جدا می کند. به نظر او، ایدئولوژی هم دارای جنبه های آگاهانه و بارز و هم جنبه های ناآگاهانه و پوشیده است.

تعریفی که سیمپسون (Simpson) (۲۰) از ایدئولوژی به دست داده است و حتیم و میسن هم همان را پذیرفته اند، شاید در حوزه زبانشناسی و ترجمه شناسی از کارایی بیشتری برخوردار باشد:

«ایدئولوژی از مفروضات بدیهی، باورها و مجموعه ارزشهایی نشأت می گیرد

که وجه مشترک کلیه افراد یک جامعه را تشکیل می دهند» (P ۱۳، ۵).

آخرین تعریفی که شاید گویاتر از سایر تعاریف ایدئولوژی باشد، از آن یارمحمدی است: «در زبان‌شناسی، ایدئولوژی به مجموعه‌ای از عقاید، برداشتها و ارزشهای نظام مندی که در یک جامعه یا بخشی از آن ساری و جاری است، اطلاق می‌شود» (ص ۴/۷).

۳. مقوله‌های تحلیلی حتمیم و میسن در قلمرو ایدئولوژی و ترجمه

از دیدگاه نشانه‌شناسی (semiotics)، ترجمه فعالیتی است که با مجموعه‌ای از نشانه‌ها سر و کار دارد و مترجم می‌کوشد، علاوه بر بعد ارتباطی و منظورشناختی متن مبدأ، ویژگیهای نشانه‌شناختی آن را نیز در قالب متن مقصد انتقال دهد، اما در مسیر این فرایند نقل و انتقال، موانع و محدودیتهایی نیز وجود دارند که می‌توانند بر تصمیمها و راهبردهای مترجم تأثیرگذار باشند. از جمله مقوله‌های نشانه‌شناختی‌ای که ممکن است چنین محدودیت‌هایی را موجب شوند، می‌توان به ژانر (گفتمان‌گونه)، گفتمان، و متن اشاره کرد، چه هر یک از اینها حامل اصول، قراردادهای، باورها و ارزشهایی خاص است که ممکن است در دو فرهنگ و زبان مبدأ و مقصد لزوماً یکسان نباشند (حتمیم و میسن، ۱۱).

چهارچوبی که حتمیم و میسن (۱۱) برای پژوهش ابعاد ایدئولوژی در ترجمه پیشنهاد کرده و بدان نیز پرداخته‌اند (برای نمونه، نک: ۱۳، ۱۲؛ و نیز میسن ۲۳-۲۴/س ۱۶) در سه مقوله مرتبط با هم یعنی گفتمان‌گونه، گفتمان، و متن، به بررسی جنبه‌های ایدئولوژی در ترجمه می‌پردازد. در این راستا، فرآیندهای حاکم بر پدیدآوری و پذیرش متن و نیز قواعد بلاغی دو زبان مبدأ و مقصد سد نظر قرار می‌گیرند. از دیدگاه آنان، سه مقوله یاد شده به مثابه نظامهای نشانه‌شناختی‌ای تلقی می‌گردند که ایدئولوژی در قالب آنها متجلی می‌شود. بنابراین، به سخن میسن: «بهترین راه بررسی نقش و ابعاد ایدئولوژی در ترجمه، به کارگیری این چهارچوب است» (۲۶/س ۱۶). در زیر، به بررسی این سه مقوله می‌پردازیم.

۱.۳. محدودیتهای گفتمانی (Discoursal constraints)

از دیدگاه فرکلا (Fairclough): «گفتمان عبارت است از کاربرد زبان به منزله یک امر اجتماعی و بنابراین، تحلیل گفتمان، تجزیه و تحلیل کیفیت کارکرد متن در بستر

اجتماعی - فرهنگی آن است» (۷-۵). در بحث از محدودیتهای گفتمانی - که مترجم در فرآیند ترجمه با آنها روبه‌روست و در موارد بسیاری بر ترجمه وی اثر می‌گذارد - غالباً به عناصری مانند پیوند واژگانی (lexical cohesion)، ساز و کار تعدی^۱ (transitivity system)، و آرایش آغازه‌ای - آویزه‌ای^۲ (theme-rheme arrangement) اشاره می‌شود و تأثیرات هر یک بر گزینشهای مترجم از دیدگاه ایدئولوژی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. از این روی، در زیر، جداگانه، به هریک از این مقوله‌ها می‌پردازیم.

۳. ۱. ۱. آرایش آغازه‌ای - آویزه‌ای (Theme/rheme arrangement)

از منظر ارتباطی، اگر جمله (یا به تعبیر هالییدی Halliday، ۸، «جمله‌واره» clause) را به مثابه یک پیام در نظر بگیریم، این پیام از دو بخش آغازه (theme) و آویزه (rheme) تشکیل خواهد شد. آغازه نقطه شروع پیام است؛ یا به سخن دیگر، آنچه جمله درباره آن سخن می‌گوید، آغازه نامیده می‌شود. آغازه در قیاس با آویزه، - که دومین جزء جمله را تشکیل می‌دهد - از اهمیت ارتباطی کمتری برخوردار است. آویزه مقصود کلام است و در حقیقت، عبارت است از آنچه گوینده یا نویسنده درباره آغازه می‌گوید. از دیدگاه ارتباطی، آویزه مهمترین جزء ساختار جمله را تشکیل می‌دهد، زیرا هدف ارتباطی پاره‌گفتار (utterance) را محقق می‌سازد و غالباً حاوی اطلاعات تازه‌ای است که گوینده یا نویسنده قصد انتقال آن را به شنونده یا خواننده دارد (۲). به دو مثال زیر نگاه کنید:

آویزه

نیم پنی است.

کوچکترین سکه انگلستان است.

(۳۹-۸)

آغازه

(۱) کوچکترین سکه انگلستان

(۲) نیم پنی

شایسته است یادآور شوم که آغازه لزوماً یک گروه اسمی (مانند مثالهای بالا) نیست، زیرا یک گروه قیدی یا حرف اضافه‌ای هم می‌تواند در جایگاه آغازه ظاهر شود. در مصراع: «سالها دل طلب جام جم از ما می‌کرد»، قید سالها در مقام آغازه ظاهر شده

است. همین طور، در جمله: «در روزگاران دور، پادشاهی ستمگر بر سرزمینی فرمانروایی می‌کرد»، گروه حرف اضافه ای در روزگاران دور آغاز جمله است. هالیدی (۸) در باره دو مثال (۱) و (۲) بالا می‌گوید: این دو جمله پیام واحدی را انتقال نمی‌دهند، بلکه بین آنها تفاوت معنایی وجود دارد و بنا بر این، دو پیام مختلف را منتقل می‌سازند. او یادآور می‌شود، در حالی که جمله (۱) در باره «کوچکترین سکه انگلستان» سخن می‌گوید، در جمله (۲) در باره «نیم پنی» صحبت می‌شود. به سخن دیگر، چنانچه آغاز جمله عوض شود، معنای پیام و اهمیت ارتباطی آن نیز دستخوش دگرگونی خواهد شد. به همین قیاس، به اهمیت ساز و کار آغاز ای - آویزه ای در ترجمه نیز می‌توان پی برد. مقایسه دو مثال زیر - که هر دو از یک متن عربی به انگلیسی ترجمه شده‌اند - اهمیت این موضوع در کار مترجم را پخوبی به نمایش می‌گذارد و نشان می‌دهد که ساز و کار آغاز - آویزه در برگردان متن (ب) ملحوظ نظر قرار نگرفته است و بنا بر آنچه از زبان هالیدی نقل شد، معنا و اهمیت ارتباطی پیام دگرگون شده است.

متن (الف):

این کتاب توصیفی تحلیلی - تاریخی از عمده ترین سازمانهای اسلامی مصر به دست می‌دهد. همه این سازمانها - یعنی اخوان المسلمین، جماعت اسلامی، و الجهاد - در مبارزات خشونت آمیز علیه دولت دخالت داشته‌اند.

متن (ب):

این کتاب توصیفی تحلیلی - تاریخی از عمده ترین سازمانهای اسلامی مصر به دست می‌دهد. اخوان المسلمین، جماعت اسلامی، و الجهاد سازمانهایی هستند که همگی در مبارزات خشونت آمیز علیه دولت دخالت داشته‌اند. (۱۱/۳۰۲۱۴)

تفاوت دو متن از نظر آغاز - آویزه در دومین جمله آنها است. حتم و میسن (همان) تفاوت دو روایت را این گونه تحلیل می‌کنند:

متن (الف)

آغاز (همه این سازمانها) << آویزه (دخالت داشته‌اند)

متن (ب)

آغاز (اخوان المسلمین، جماعت اسلامی و...) <<< آویزه (سازمانهایی هستند)

به عبارت دیگر، دو روایت به دو نوع تأکید کاملاً متفاوت منجر می شود:

متن (الف): «همه این سازمانها دخالت داشته اند»

متن (ب): «اخوان المسلمین، جماعت اسلامی، و ... سازمانهایی هستند ...»

در حالی که آویزه متن (الف) تأثیر منظور شناختی «دخالت این سازمانها در خشونتها» را مورد تأکید قرار می دهد، در آویزه متن (ب) «دخالت سازمانها در خشونتها» نامشهود یا بسیار کمرنگ جلوه می کند و تأثیر منظور شناختی جمله صرفاً به نوعی «تعریف» منتهی می شود.

۳. ۱. ۲. پیوند واژگانی (Lexical cohesion)

پیوند (cohesion) مفهومی است معنایی و به روابط معنایی درون متن برمی گردد. به سخن دیگر، هرگاه تعبیر و تفسیر عنصری در متن، منوط به تعبیر و تفسیر عنصر دیگری در همان متن باشد، با پیوند سر و کار داریم. حتیم و میسن (۱۹۹۷) پیوند را شرط لازم برای مجموعه واحدی از جملات می دانند که یک متن را تشکیل می دهند. پیوند از دو طریق دستوری و واژگانی تحقق می یابد. پیوند واژگانی غالباً از راه گزینش و تکرار واژگان حاصل می گردد و مستلزم تکرار یک واژه خاص، جایگزینی واژه‌ای با یک اسم عام، کاربرد کلمات مترادف - یا تقریباً مترادف - با یک واژه و نیز کاربرد واژه‌های مرتبط با واژه‌ای است که پیشتر در متن ظاهر شده است (هالیدی و حسن ۹). این دو پژوهشگر بر این باورند که پدیده آورنده متن با تکرار واژگانی نگرش خاصی را به صورت تلویحی مورد تأکید قرار می دهد و بنابراین، یکی از وظایف عمده مترجم توجه به پیوند های واژگانی متن است.

به نمونه زیر - که برگرفته از رمانی است به عربی به قلم نجیب محفوظ، نویسنده مصری و برنده جایزه ادبی نوبل - بنگرید، که در آن پیوند واژگانی از طریق تکرار فعل «بیدار شدن» تحقق یافته است. (پادآوری می کنم که شخصیت این پاره از داستان یک زن عرب است):

نیمه های شب بیدار شد. همیشه همین وقت شب، بدون نیاز به ساعت زنگ دار، بیدار می شد. آرزویی که ریشه در درون او داشت، درست بموقع

بیدارش می‌کرد. با وجود این، تا لحظاتی چند باورش نمی‌شد که بیدار شده است.... (۲۰۱۳/...۳۴)

در نقد ترجمه انگلیسی این تکه از رمان، حتیم و میسن (همان) یادآوری می‌کنند که مترجمان متن چنین تکرار پیوسته ای را در برگردان انگلیسی نامناسب دانسته و با وجود این که به مقصود بلاغی و منظورشناختی نویسنده از این همه تکرار واقف بوده‌اند، راهی میانه در پیش گرفته و با آوردن واژه‌هایی مترادف فعل «بیدار شدن» از تکرار آن خودداری کرده‌اند. روشن است که با این نوع برگردان، مقصود اصلی نویسنده - که انگشت گذاشتن بر وضعیت اجتماعی زنان در جامعه عرب است - خدشه دار شده است؛ چرا که نویسنده، به عقیده این دو پژوهشگر - شاید با این تکرارها قصد داشته است که تکراری بودن زندگی اجتماعی و خانوادگی زنان عرب و وضعیت ملالت آور روزمره آنان را ترسیم کند.

به نمونه دیگری از پیوند واژگانی با استفاده از هر دو عنصر تکرار و توازن (parallelism) - برگرفته از پژوهش نسبتاً مفصلی که نگارنده با مقابله متن ترجمه رمان ۱۹۸۴ و متن اصلی آن انجام داده است - بنگرید که مترجم در انتقال عناصر پیوندی متن دقت لازم را به خرج داده؛ و بنا بر این، می‌توان گفت، در انتقال پیام متن نیز موفق بوده است:

There will be no loyalty, except loyalty towards the Party. There will be no love, except the love of Big Brother. There will be no laughter, except the laugh of triumph over a defeated enemy. There will be no art, no literature, no science. When we are omnipotent we shall have no more need of science. There will be no distinction between beauty and ugliness. There will be no curiosity, no enjoyment of the process of life. (George Orwell, *Nineteen Eighty-Four*, p. ۲۷۳)

وفاداری، جز وفاداری به حزب، در میان نخواهد بود. عشق، جز عشق به ناظر کبیر، در میان نخواهد بود. خنده، جز خنده پیروزی بر دشمن شکست خورده، در میان نخواهد بود. هنر و ادبیات و علم در میان نخواهد بود. قدرقدرت که شدیم،

دیگر نیازی به علم نخواهیم داشت. تمایزی میان زیبایی و زشتی نخواهد بود. کنجکاوی نخواهد بود. به استخدام درآوردن روند زندگی هم (۲/ص ۲۴۶).

۳. ۱. ۳. ساز و کار تعدی (Transitivity system)

در بحث از تجزیه و تحلیل متن، هالیدی (Halliday) (۸) اصرار می ورزد که تحلیل متن از هر نوعی که باشد - چه ترجمه و چه غیر آن - باید مبتنی بر دستور زبان باشد و تصور این که، مثلا گفتمان را می توان بدون نیاز به دستور زبان تجزیه و تحلیل کرد، توهمی بیش نیست. دستوری که وی تحلیل متن را بر اساس آن پیشنهاد می کند، در ادبیات زبانشناسی به دستور سامانه‌ای-کارکردی^۳ (Systemic-Functional Grammar) شناخته شده است.

گوشوران زبان به طرق مختلف می توانند تجربه و احساس خود از رویدادها و تصویر ذهنی ای را که از واقعیت های این جهان دارند، بیان کنند. در دستور هالیدی این گزینشها در چهارچوب ساز و کار تعدی (transitivity system) انجام می شود. ساز و کار تعدی چگونگی تجلی معنا را در قالب جملات و با استفاده از فرآیندهای مختلف (processes) - که به تعبیر دستور سنتی رایج، همان گروههای فعلی هستند- تحقق می بخشد. به طور کلی، فرآیند های معنایی که در قالب جمله بیان می شوند، دارای سه مؤلفه بالقوه هستند:

- (۱) خود فرآیند (process)، که در شکل گروه فعلی ظاهر می گردد؛
- (۲) مشارکت کنندگان (participants) در فرآیند، که نقشهای مختلف (فاعلی، مفعولی، و ...) را در قالب گروههای اسمی بر عهده می گیرند؛
- (۳) شرایط فرآیند (circumstances)، که از طریق گروههای قیدی یا حروف اضافه ای تحقق می یابد (برای مطالعه بیشتر، نک: ۲۰).

هالیدی (Halliday) شش نوع فرآیند را بر می شمرد، اما سه فرآیند مادی (یا عینی) (Material)، ذهنی (Mental) و اعتباری (Relational) را عمده ترین آنها می نامد، که مجال شرح و تفصیلی فرا تر از حوصله این بحث می طلبد.

آنچه بیشتر در حوزه این مقاله می گنجد، یادآوری این نکته است که تغییر صورت فرآیندها (برای مثال، تغییر از نوعی به نوع دیگر، کاهش، افزایش یا حذف فرایندها) و جابه جایی نقش مشارکت کنندگان جمله در ترجمه، می تواند ایدئولوژی نویسنده متن

مبدأ را دستخوش دگرگونی سازد. حتمیم و میسن (۱۳) تأکید می‌ورزند که تغییر ساختار جمله (مثلاً، از معلوم به مجهول یا به عکس، تغییر فرآیند ارادی به غیر ارادی، و ...) می‌تواند نشان دهنده جهان بینی‌ها و گرایشهای ایدئولوژیک متفاوت باشد. سایکس (Sykes) (۱۰۲-۱۳/۲۱) دو جمله زیر را مقایسه کرده و شیوه بیان جمله دوم - درقیاس با جمله اول - را نشان دهنده نگرشهای تبعیض آمیز در گفتمان می‌داند:

(الف) جوانان سیاهپوست پلیس را سنگباران کردند.

(ب) پلیس به دست جوانان سفید پوست سنگباران شد.

گرچه هر دو جمله حاوی اطلاعات یکسانی هستند (جز این که «پرتاب کنندگان سنگ» در (الف) سیاهپوست و در (ب) سفید پوستانند)، با وجود این، جمله مجهول (ب) این پیامد را به دنبال دارد که جوانان سفید پوست را از کانون توجه جمله محو و تأکید کلام را بر پلیس متمرکز می‌سازد؛ و بدین ترتیب، فاعلیت جوانان سفید پوست را - در مقایسه با جوانان سیاهپوست - کم‌رنگ‌تر جلوه می‌دهد.

۲.۳. محدودیتهای متنی (Textual constraints)

در زبانشناسی، متن پاره ای است کلامی - چه در قالب گفتار، چه در قالب نوشتار - در هر حجم و اندازه، که یک واحد منسجم و به هم پیوسته را تشکیل می‌دهد. متن دارای مشخصه‌هایی است که آن را از غیر متن (مثلاً، شماری از جملات بی ارتباط با هم) متمایز می‌سازد و از نظر اندازه، ممکن است در حد یک ضرب المثل یا نمایشنامه‌ای از شکسپیر باشد (۹). متنها را بر اساس موضوع گفتمان یا کارکرد آنها می‌توان به دسته‌هایی مانند «ژورنالیستی»، «علمی»، «مذهبی»، «ادبی»، و ... دسته بندی کرد. گرچه گفته می‌شود متنها از نظر کارکردی گاهی چندان مبهم و سیال جلوه می‌کنند و همزمان چندین هدف منظور شناختی را بر آورده می‌سازند که دسته بندی آنها کار بسیار دشواری است، با وجود این، ورلیچ (Werlich) (۱۹۷۶)، در حتمیم و میسن، (۱۱) بر این باور است که در هر متن، همواره یک هدف بلاغی و منظورشناختی مشخص، در مقایسه با دیگر اهداف جنبی متن، از بروز و نمود بیشتری برخوردار است؛ به گونه ای که متن را بر پایه این کانون محوری آن می‌توان در دسته ای مشخص قرار داد و هدف منظور شناختی آن را کشف کرد. برای نمونه، در یک متن خبری، گزارش رویدادها کانون محوری متن را تشکیل می‌دهد؛ اما به حکم ضرورت،

ممکن است رگه هایی از ارزش- داوری نیز در متن راه یابد، که البته جزو اهداف جنبی متن محسوب می شود و مغایرتی با هدف اصلی متن ندارد.

حتیم و میسن (۲۳-۳۲/س.۱۲) یادآور می شوند که راهکارهای برگردان گفتمان و گفتمانگونه با برگردان متن متفاوت است، زیرا ماهیت متن با دو مقوله دیگر متفاوت و از این روی مستلزم راهکارهایی جداگانه است. دلیل این امر آن است که گفتمان و گفتمانگونه در متن تحقق عینی پیدا می کنند و بنا بر این، گزینه های مترجم در مواجهه با متن، در مقایسه با این دو، بسیار محدودتر است. برای نمونه، این دو محقق به برگردان انگلیسی یکی از پیامهای آیت ... خمینی اشاره می کنند که برگردان تقریباً لفظ به لفظ گفتمان و گفتمانگونه آن به تأثیری مشابه متن مبدأ دست یافته، در حالی که برگردان لفظ به لفظ ویژگیهای متنی آن با انتظارات خوانندگان فرهنگ مقصد هماهنگی ندارد. حتیم و میسن به ترجمه جمله زیر اشاره می کنند:

البته، این به معنای آن نیست که ما از همه روحانیون دفاع می کنیم.

Of course, this does not mean that we should defend all clergymen.

کاربرد واژه «البته» در زبان فارسی و در یک متن استدلالی با کاربرد واژه مترادف آن ('Of course') در انگلیسی متفاوت است، زیرا در سنت متن انگلیسی، گوینده یا نویسنده پس از این واژه ابتدا موافقت خود را با موضوعی اعلام می کند و بلا فاصله با آوردن واژه ربط دیگری که نشان دهنده «مغایرت» یا «تضاد» است (مانند ... however, but, ...) به مخالفت با موضوع بر می خیزد. در ترجمه لفظ به لفظ جمله بالا این رویه نقض شده و انتظار خواننده متن مقصد برآورده نشده است. از این جهت، حتیم و میسن برگردان زیر را پیشنهاد کرده اند:

Under no circumstances dose this mean that we should defend ...

۳.۳ محدودیتهای گفتمانگونه‌ای (Generic constraints)

ژانر (genre)، یا به تعبیر یارمحمدی (۱۳۸۰)، «گفتمانگونه»، به متنی اطلاق می گردد که هدف ارتباطی خاصی را برآورده می سازد. برای مثال، «سرمقاله» در روزنامه های روزگار ما گفتمانگونه مستقلی را تشکیل می دهد؛ و نیز در قلمرو ادبیات، مثلاً، شعر و

داستان کوتاه دو گفتمانگونه ادبی مجزا به حساب می آیند که هر یک اصول و قراردادهای خاص خود را می طلبد (۴/صص ۳۲۳-۳۲۹). کرس (Kress) (۱۹۸۵؛ در حتم و میسن، ۱۱/ص. ۶۹) گفتمان گونه ها را منتهایی می داند «که به شکلی قراردادی نقش ها و اهداف ویژه ای را در موقعیتهای اجتماعی خاصی منعکس می کنند». گفتمان گونه ها، به سخن حتم و میسن، ممکن است ادبی یا غیر ادبی و زبانی یا غیر زبانی (مثلا، مراسم غسل تعمید در آیین مسیحیان) باشند. مارتین (Martin) (۱۹۸۵؛ در حتم و میسن، همان) بر این باور است که اصول و قرارداد های حاکم بر گفتمان گونه ها به منزله نشانه های ویژه فرهنگ های خاص تلقی می شوند و شیوه بیان، یا رمز گذاری، آنها در فرهنگهای گوناگون، متفاوت است.

نکته با اهمیتی که باید بدان اشاره کرد، این است که گفتمان گونه ها بر تصمیمات مترجم تأثیر می گذارند و ناگفته پیداست که مترجم در جریان برگردان متن، وقتی با تنگنا های ناشی از گفتمانگونه مواجه می گردد - مثلا به مواردی برمی خورد که در فرهنگ مقصد شناخته شده و پذیرفته نیست - بیشتر ترجیح می دهد بر وفق سنتهای گفتمان گونه ای فرهنگ خویش عمل کند، که در حقیقت، می توان گفت بازتاب ایدئولوژی وی در ترجمه است. در غیر این صورت، ترجمه وی رنگ و بوی «بیگانه گرای» (foreignization) به خود خواهد گرفت (نک. ۲۳/ص. ۲۲).

نخستین نمونه ای را که در زیر مشاهده می کنید، ترجمه ای است از عربی به انگلیسی و برگرفته از گفتمانگونه «گزارش خبری»:

اعلیحضرت امیر شیخ عیسی الخلیفه ... قاضی القصبی، سفیر بحرین در ایالات متحده آمریکا، را به حضور پذیرفتند (۱۱/ص. ۶۵).

اما در متن اصلی، جمله واره ای توصیفی نیز وجود داشته است که به دلیل ناهمخوانی با اصول گفتمانگونه ای انگلیسی، مترجم اقدام به حذف آن کرده است. روایت اصل خبر، با ترجمه ای لفظ به لفظ، چنین است:

... سفیر بحرین در ایالات متحده آمریکا را، که به مناسبت بازگشت از محل مأموریت خود در واشنگتن، برای ادای احترام به پیشگاه ملوکانه و پرس و جوی احوال معظم له شرفیاب شده است، به حضور پذیرفتند.

به گمان مترجم، این جمله واره زاید بوده، کاربرد آن منحصر به فرهنگ مبدأ است، که در سنت نگارشی آن احترام به خاندان سلطنتی حتی در حوزه گفتمانگونه «گزارش

خبری» نیز ضروری است. به زعم وی، برای خواننده انگلیسی زبان، که انتظارات وی از یک گزارش خبری با انتظارات خوانندگان متن اصلی متفاوت است، همان ترجمه بالا مناسب تر است.

دامنه بحث را به قلمرو ادبیات می کشانیم و نمونه دوم را به ترجمه شعر اختصاص می دهیم.

گرچه بحث درباره ترجمه انگلیسی فیتزجرالد از رباعیات حکیم عمر خیام نیشابوری شایسته مجال و مقالی مفصلتر از این است، اما در این جا برای آن که محدودیتها، یا گزینه های مترجم در قلمرو گفتمانگونه شعر را یادآور شوم، به نقل نمونه ای از ترجمه رباعیات اکتفا می کنم. بگذارید در همین جا یادآوری کنم که نقد ترجمه فیتزجرالد به هیچ روی به معنای کاستن از ارزش ادبی اثر گران سنگ وی نیست، چرا که همه ما به نقش و تأثیر ترجمه وی در معرفی اندیشه های ژرف خیامی و نیز در شناساندن دست کم چشمه ای از دریای ادبیات فارسی به جهان غرب آگاهیم.

می دانیم که فیتزجرالد در اواسط سده نوزدهم میلادی دست به ترجمه رباعیات خیام زد و در پنج نوبت تغییرات و اصلاحاتی در اثر خود انجام داد، که هم اکنون پنج روایت از ترجمه وی در دسترس ماست. با آن که تعدادی از حدود یکصد رباعی وی را می توان، تا حدودی، با اصل آنها منطبق دانست (نک. منبع شماره ۱) که ترجمه حدود چهل رباعی را تا حدودی با رباعیات خیام منطبق می داند، به طور کلی، ترجمه وی از رباعیات خیام چندان مقید به اصل نیست و در خوشبینانه ترین تحلیل - آن هم در مورد رباعیاتی که رد پای اصل رباعیات خیامی را می توان بوضوح در آنها پی گیری کرد - شاید بتوان گفت ترجمه ای است کاملاً آزاد. اما اگر با معیارهای امروزی ترجمه شناسی کار فیتزجرالد را ارزیابی کنیم، شاید درست تر آن باشد که اثر وی را از نوع «اقتباس» (adaptation) بنامیم. برای نمونه، به رباعی زیر و ترجمه آن بنگرید:

گر دست دهد ز مغز گندم نانی	وز می کدویی ز گوسفندی رانی
بالاله رخی و گوشه بستانی	عیشی بود آن نه حد هر سلطانی

(۱/ص ۱۶۷)

A Book of Verses underneath the Bough,
A Jug of Wine, a loaf of Bread — and Thou
Beside me singing in the Wilderness—

Oh, Wilderness were Paradise enow!

(۷/...۱۵۶)

ملاحظه می‌کنید که در ترجمه فیتزجرالد از رباعی فوق، عبارت «ز گوسفندی رانی» حذف و به جای آن «A Book of Verses» افزوده شده است. این کاستن و افزودن را باید با نگرش فیتزجرالد به مقوله شعر توجیه کرد. بنا بر سنت شعری دوره ویکتوریا - که مترجم به آن تعلق دارد - تعبیری مانند «A leg of mutton» یا «A leg of lamb» نمی‌توانست شاعرانه تلقی شود و بنابراین، به زعم مترجم، باید تعبیر شاعرانه «A Book of Verses» جای آن را بگیرد.

از سوی دیگر، علاوه بر لفویر، نویسندگانی مانند ونوتی (۲۲) و عبدالله Abdullah (۱۶-۱/...۱۶) بر این باورند که فیتزجرالد به رباعیات خیام به دیده حقارت می‌نگریسته و ادبیات فارسی را در جایگاهی فروتر از ادبیات غرب و بخصوص ادبیات کلاسیک یونان و روم تصور می‌کرده، و به همین جهت، به خود اجازه می‌داده است که در ترجمه رباعیات هر تغییری را اعمال کند و در نهایت، شعری باب طبع و ذوق خوانندگان انگلیسی به آنان عرضه کند. لفویر (۱۹۹۲) بر این اعتقاد است که اگر قرار بود فیتزجرالد از یکی دیگر از زبانهای «برتر» و پرآوازه جهان، مانند یونانی یا لاتین، ترجمه کند، هرگز اجازه چنین دگرگونی‌هایی را به خود نمی‌داد.

تغییراتی که فیتزجرالد در محتوای رباعیات خیام انجام داده است، تا حدی است که ونوتی (۲۲) ترجمه وی را نمونه بارز «بومی‌گرایی» (domestication) می‌داند و به نقل از بانتینگ (Bunting) (۱۹۳۶) - که خود از ستایشگران ترجمه فیتزجرالد است - می‌نویسد:

فیتزجرالد اشعاری را «ترجمه» کرده است که وجود خارجی نداشته است، و درعین حال، رباعیاتی را به خیام نسبت داده است که اگر عمر خیام در انگلستان دیده به جهان گشوده بود، همین سخنان را بر زبان می‌راند.
(۲۲/...۱۸۹)

نتیجه

اگر از تقسیم‌بندی دو گانه روش‌های ترجمه و تقلیل آنها به دو روش بومی‌گرایی (domestication) و بیگانه‌گرایی (foreignization) - که حدود دو سده پیش از

سوی شلایرماخر (Schleiermacher) (۱۸۱۳) پیشنهاد شده است و ونوتی (۲۲) نیز بر آن مهر تأیید زده و بر اساس آن در نقد و ارزیابی ترجمه هایی که در انگلستان و آمریکا طی سیصد سال گذشته انجام گرفته است، روند بومی گرایی را حاکم می داند — بگذریم، در حوزه ترجمه شناسی، شاید بتوان گفت که تا کنون در نقد ترجمه ها، و بخصوص، ارزیابی گرایشهای ایدئولوژیک مترجم، کمتر چهارچوب تحلیلی نسبتاً منسجمی، نظیر آنچه از سوی حتیم و میسن پیشنهاد شده است و در این مقاله به آن پرداختیم، ارایه شده است. با وجود این، بررسیهای دقیق تر نشان می دهد که چهارچوب یاد شده، با وجود همه سودمندیهایی که می تواند داشته باشد (و می دانیم که تاکنون در چندین پژوهش تحلیلی، بویژه برای مطالعه جنبه های ایدئولوژیک ترجمه، از سوی محققان به کار گرفته شده است؛ برای نمونه، حتیم و میسن، ۲۳-۳۲/۱۲؛ میسن، ۲۳-۳۴/۱۶؛ کالزادا پرز (Calzada Perez)، (۳)، به نظر می رسد که بعضی از نمودهای آشکار ایدئولوژی در ترجمه را در بر نمی گیرد. به بیان دیگر، دست کم می توان گفت بعضی از موارد آشکار اعمال ایدئولوژی از سوی مترجم در هیچ یک از مقوله های سه گانه گفتمان، گفتمانگونه، و متن نمی گنجد. در این جا فقط به دو نمونه اشاره می کنم و داوری نهایی را به خوانندگان گرامی وا می گذارم.

الف - ترجمه فرانسوی ولتر (Voltaire) (۱۷۳۴) از نمایشنامه بسیار معروف هملت اثر ویلیام شکسپیر در سرب از شهرتی برخوردار است، همچنان که واگویه هملت در فراز مشهوری از این نمایشنامه، «بودن یا نبودن بحث در این است» (ترجمه مجتبی مینوی)، نیز معرف حضور بسیاری از خوانندگان فارسی زبان علاقه مند به آثار شکسپیر خواهد بود. ولتر مصراع معروف هملت:

‘Thus conscience doth make cowards of us all’

را چنین ترجمه کرده است:

وجدان جنگ آوری دلیر را به بزدلی نصرانی مبدل می سازد. (۱۰۹/۶)

روشن است که چنین ترجمه ای نشان دهنده نگرش منفی ولتر به مذهب است، که با دگرگون ساختن معنای این سطر در صدد القای این ایدئولوژی به خوانندگان فرانسوی زبان خود بر آمده است.

ب- همه ما می دانیم که یونانیان باستان به خدایان متعددی اعتقاد داشتند و تقریباً هر پدیده ای را که بتوان تصور کرد، اعم از طبیعی یا انتزاعی، ملموس یا غیر ملموس (کوه،

دریا، جنگل، عشق، شعر، جنگ، باران، و ...)، یونانیان باستان خدایی برای آن قایل بودند و قدرتمندترین خدایان آنان زئوس (Zeus) نام داشت. اما فیتس (Fitts)، مترجم معروف معاصر آمریکایی، که بسیاری از آثار کلاسیک ادبیات آمریکای لاتین را به انگلیسی برگردانده است، به گفتهٔ ونوتی (۲۴)، در برگردان اشعار یونان باستان «زئوس» را به «God» (خدا) ترجمه کرده است، که این توهم را می‌تواند در خواننده ایجاد کند که گویا یونانیان باستان نیز مردمانی یکتاپرست بوده‌اند یا دست کم این‌که، چنین ترجمه‌ای اعتقاد به چند خدایی در میان یونانیان باستان را به ذهن خوانندگان متبادر نمی‌کند.

پی‌نوشت

۱، ۲، و ۳ - معادله‌های به کار گرفته شده برای اصطلاحات theme/rheme و arrangement و transitivity system بر گرفته از منبع شماره (۳) و معادل فارسی اصطلاح systemic-functional linguistics نیز پیشنهاد استادم دکتر یارمحمدی است.

منابع انگلیسی

- ۱- Abdulla, A. K. Aspects of ideology in translating literature. *Babel*, ۴۵(۱), ۱۹۹۹.
- ۲- Baker, M. *In other words: A coursebook on translation*. London and New York: Routledge, ۱۹۹۹.
- ۳- Calzada Perez, M. C. *A three-level methodology for descriptive*, ۲۰۰۲.
- ۴- Calzada Perez, M. C. *Apropos of ideology: Translation studies on ideology/Ideologies in translation studies*. Manchester, UK & Northampton, MA: St. Jerome Publishing, ۲۰۰۳.
- ۵- Fairclough, N. *Critical discourse analysis: The critical study of language*. London and New York: Longman, ۱۹۹۵.

- ۶- Fawcett, P. Ideology and translation. In M. Baker (Ed.), *Routledge Encyclopedia of translation studies*. London and New York: Routledge, ۱۹۹۸.
- ۷- Fitzgerald, Rubaiyat of Omar Khayyam, ۵th ed.). (G.F.Maine, Ed.). London and Glasgow: Collins, ۱۹۶۵.
- ۸- Halliday, M. A. K. *An introduction to functional grammar* London: Edward Arnold, ۱۹۸۵.
- ۹- Halliday, M. A. K. & Hasan, R. *Cohesion in English*. London and New York: Longman, ۱۹۷۶.
- ۱۰- Hatim, B. Implications of research into translator invisibility. *Target*, ۱۱(۲), ۱۹۹۹.
- ۱۱- Hatim, B. & Mason, I. *Discourse and the translator*. London and New York: Longman, ۱۹۹۰.
- ۱۲- Hatim, B. & Mason, I. Coping with ideology in professional translating. *Interface: Journal of Applied Linguistics*, ۷(۱), ۱۹۹۱.
- ۱۳- Hatim, B. & Mason, I. *The translator as communicator*. London and New York: Routledge, ۱۹۹۷.
- ۱۴- Hawkins, B. Incorporating tensions: On the treatment of ideology in cognitive linguistics. In R. Dirven, B. ۲۰۰۱.
- ۱۵- Hawkins, & E. Sandikcioglu (Eds.), *Language and ideology: Vol. ۱. Theoretical cognitive approaches* . Amsterdam/ Philadelphia: John Benjamins.
- ۱۶- Mason, I. Discourse, ideology, and translation. In R. D. Beaugrande, A. shunnaq, & M. H. Heliel (Eds.), *Language, discourse and translation in the West and Middle East* Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins. ۱۹۹۴.
- ۱۷- Orwell, G. *Nineteen eighty-four*. London: Secker & Warburg, ۱۹۶۲. (۷th ed.). (S. Hosseini, Trans.). ۱۹۸۴ Orwell, G. (۲۰۰۱)

- Tehran: Niloofer Publishing House. (Original work published ۱۹۴۹). explanatory translation studies. *Target*, ۱۳(۲), ۲۰۳-۲۳۹.
- ۱۸- Pires de Oliveira, R. Language and ideology: An interview with George Lakoff. In R. Dirven, B. Hawkins, & E. Sandikcioglu (Eds.), *Language and ideology: Vol. ۱. Theoretical cognitive approaches* (pp. ۲۳-۴۷). Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins, ۲۰۰۱.
- ۱۹- Schaffner, C. (۲۰۰۲). Translation, politics, ideology. In K. Hardey (Ed.), *CTIS occasional papers: Vol. ۲* (pp. ۹۷-۱۱۱). Manchester: UMIST.
- ۲۰- Simpson, P. *Language, ideology and point of view*. London and New York: Routledge, ۱۹۹۳.
- ۲۱- Sykes, M. Discrimination in discourse. In T. A. van Dijk (Ed.), *Handbook of discourse analysis: Vol. ۴. Discourse analysis in society* (pp. ۸۳-۱۰۲). London: Academic Press, ۱۹۸۵.
- ۲۲- Venuti, L. *The translator's invisibility: A history of translation*. London and New York: Routledge, ۱۹۹۵.
- ۲۳- Venuti, L. Strategies of translation. In M. Baker (Ed.), *Encyclopedia of translation studies* (pp. ۲۴۰-۲۴۴). London and New York: Routledge, ۱۹۹۸.
- ۲۴- Venuti, L. (Ed.). *The translation studies reader*. London and New York: Routledge, ۲۰۰۰.

منابع

- ۱- خیام، عمر: رباعیات خیام، تصحیح م. فروغی و ق. غنی، ویراستار: ب. خرمشاهی، ناهید، تهران، ۱۳۷۳.
- ۲- حسینی، صالح (مترجم): ۱۹۸۴. نیلوفر، تهران، ۱۳۸۰.
- ۳- نیلی پور، ر. و یارمحمدی، ل. فرهنگنامه موضوعی توصیفی علوم انسانی (ج ۱): گفت‌مان شناسی، جامعه شناسی زبان، روانشناسی و عصب شناسی زبان، فرزانه مهر، تهران، ۱۳۸۱.

- ۴- یارمحمدی، ل: «واژگان هسته ای و غیر هسته ای در واژه شناسی مقابله ای: تجزیه و تحلیل گفتمانی انتقادی و ترجمه ادبی». مجموعه مقالات نخستین همایش ترجمه ادبی در ایران، به اهتمام ع. خراعی فر، بنفشه، مشهد، ۱۳۸۰.
- ۵- یارمحمدی، ل: «بهره گیری مترجم از تحلیل گفتمان» (بخش اول) مترجم، ۳۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی